

یادداشت

پیشران‌های توسعه کردستان

محمدسعید احمدپناه، رئیس کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سنندج] آب در کردستان کالایی اشتغال‌زا است. اشتغال کردستان رابطه مستقیمی با آب دارد؛ زیرا اقتصاد این استان بیشتر بر پایه کشاورزی بنا شده است. نبود امکان استفاده از منابع آب سطحی و فشار بیش از حد بر منابع آبی زیرزمینی دلیل منفی شدن بیلان منابع آب‌های زیرزمینی استان بوده است. کردستان به لحاظ مساحت ۳ درصد از کل مساحت کشور را در بر گرفته و سرشاخه ۷ درصد از آب‌های کشور نیز از این استان سرچشمه می‌گیرند اما تا به امروز کسی نتوانسته از این ۷ درصد منابع آبی به نفع استان تخصیص مناسبی بگیرد. از کل میزان آبی که در کردستان وجود دارد، حدود ۱۱ درصد اراضی خود استان را مشروب می‌کند و بقیه آب در اختیار استان نیست و به دلیل تصمیمات وزارت نیرو و مردمان این خطه از زمین مان از موهبت آبی بهره‌بردار نیستند.

بر اساس آمار حدود ۸۹ درصد از اراضی کشاورزی استان کردستان دیمی و بیشترین محصول هم گندم است. از آنجا که در این سال‌ها محصول جایگزینی برای گندم وجود نداشته، کشاورزان کردستان به اجبار به دیم‌کاری گندم روی آورده‌اند. اختصاص نیافتن منابع آبی تجدیدپذیر استان کردستان به این استان موجب شده عملاً راهی جز دیم‌کاری برای کشاورزان باقی نماند. در مقابل، استان‌های همسایه کردستان که از این منابع آبی (منابع آبی کردستان) اجازه استفاده داشته‌اند، در زمانی که دلار ۷ هزار تومان بود، توانستند توسعه مناسبی داشته باشند و این توسعه برای آنها ارزش افزوده زیادی داشته است اما حوزه تولیدی استان کردستان به خصوص در بخش کشاورزی تا امروز نتوانسته از منابع آب‌های تجدیدپذیر استان استفاده کند و به همین دلیل کشاورزان این استان به ناچار بر منابع آب‌های زیرزمینی فشار آوردند؛ به طوری که دشت‌های این استان از جمله دهگلان، قروه و چهاردولی تبدیل به دشت‌های ممنوعه و بحرانی شده‌اند و وضع اسفناکی دارند.

اقتصاد کردستان از قدیم الایام بر کشاورزی و دامپروری مبتنی بوده و به لحاظ صنعتی توسعه چندانی نداشته است و اگر توسعه‌ای ناچیز هم در بخش صنعت بوده به پای بخش کشاورزی نمی‌رسیده است؛ یعنی کشاورزی بخش اصلی تولیدی استان است. همین که مانتوانستیم از منابع آبی استان خود استفاده کنیم، باعث شده که آخرین رتبه‌ها را در میزان سرانه درآمد، میزان اشتغال و میزان تولید به نسبت سایر استان‌های کشور داشته باشیم. برای مثال کردستان به لحاظ سطح زیر کشت اراضی زراعی سومین رتبه را دارد اما در بحث تولید محصولات زراعی رتبه نوزدهم را داریم؛ یعنی استان‌هایی هستند که سطح زیر کشتشان از کردستان پایین‌تر است اما حجم تولید بسیار بالاتری از این استان دارند.

به علاوه همه اینها باید گفت که وقتی از کردستان صحبت می‌شود، باید درباره استانی بحث کرد که سرانه درآمد شهروندانش نصف میانگین سرانه درآمد در سایر استان‌های کشور است و همچنین استانی است که بیشترین میزان حاشیه‌نشینی را دارد. به نظر می‌رسد که علت حاشیه‌نشینی روزافزون در کردستان را باید این گونه قرائت کرد که به طور میانگین هر خانواده پنج نفره دیم‌کار ۸ یا ۹ هکتار زمین دارد و به جز دیم‌کاری قادر به کشت دیگری نخواهد بود (به دلیل جبر تخصیص نیافتن آب). آن هم کشتی که هر دو سال یک‌بار اتفاق می‌افتد؛ یعنی یک خانواده هر دو سال یک‌بار ۹ هکتار زمین دیم‌درآمدی دارد و ۲۴ ماه خانواده خود را با آن به لحاظ معیشت تأمین می‌کند. همین درآمد ناکافی، کشاورزان

آرین نصراللهی / مهر



کولبرهای آسیب‌دیده از حال و روزشان می‌گویند

مجروحان کوهستان

[شادی خوشکار] مه‌ران ۱۸ سالش بود که با پاهای خودش از کوه بالا رفت اما نتوانست با پای خودش به خانه برسد. دی ماه ۹۵ یک سالی می‌شد که برای تأمین هزینه‌های کنکور و دانشگاه سراغ کولبری رفته بود. شش هفته نفری در مسیر برگشت بودند. ساعت ۲ نیمه شب در مرز ثلاث باباجانی کرمانشاه با شلیکی از کوه افتادند. از بین آنها فقط مه‌ران بود که آسیب دید تا ساعت ۸ صبح بیهوش بود. ۸ صبح تنها در کوهستان بیدار شد و دید که نمی‌تواند راه برود؛ «همانجا نشستم تا سرانجام بیایند. بالاخره پدرم دنبالم آمد و آن قدر گشتند تا پیدایم کردند. دیگر ساعت ۵ عصر شده بود. مه‌ران قطع نخاع شد و از آن روز تا حالا روی تخت است. مادرش از او نگهداری می‌کند و زندگی‌شان با یارانه می‌چرخد. مه‌ران بیست و یک ساله است، رویای دانشگاه و کنکورش بر باد رفته، حالا فقط به این فکر می‌کند که آیا می‌تواند دوباره راه برود؟ در روستای ثلاث باباجانی همه کولبرها از چنین حادثه‌هایی می‌ترسند، از مرگ و پرت شدن و آسیب‌هایی که همیشه است. اما به قول مه‌ران مجبور بودن، ترس نمی‌شناسد.

دو برادر دیگر هم کولبری می‌کردند اما الان یکی شکی مسافرکشی می‌کند و دیگری کارگری، خودم هم بعد از اتفاقی که برای مختار افتاد ترسیده‌ام. اگر کار باشد کارگری می‌کنم، اگر کار باشد دور است، ۹ ساعت راه است.

خودم بعد از این سال‌ها آرتروز پا گرفته‌ام

کولبران است که برای جلوگیری از تیراندازی غیرضروری به صورت دوفوریتی در دستور کار مجلس قرار گرفت. بر اساس این طرح جز در مواردی که در بندهای این طرح مشخص شده مأموران انتظامی حق شلیک مستقیم به کولبران را ندارند. یکی دیگر از این طرح‌ها طرح ساماندهی کولبری بود که یک بار به دلیل ورود قاچاق و ضربه به تولید داخلی رد شد و دوباره با تغییراتی در حال تدوین است. سید مهدی فرشادان نماینده مردم سنندج اوایل دی ماه اعلام کرده نمایندگان در حال رایزنی با دولت هستند تا برای این طرح پای کار بیایند. سید احسن علوی، دیگر نماینده مردم سنندج و دیواندره هم در گفت‌وگو با خانه ملت کولبران را گزینه‌های مناسبی در حوزه اقتصادی در شرایط بحرانی دانست و گفت: «به رسمیت نشناختن کولبران و سروسامان ندادن آنها هزینه امنیتی را برای کشور بیشتر می‌کند».

نمایندگان همچنین در چند سال گذشته به دنبال بیمه کولبران بودند و سال ۹۵ استانداری کردستان با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تفاهم‌نامه‌ای امضا کرد که کولبران را با شرط اینکه خودشان ۶۰ درصد حق بیمه‌شان را بپردازند، بیمه کند. طرحی که همان زمان حقوق‌دانان آن را غیرکارشناسی دانستند، مگر چند کولبری می‌توانند چنین مبلغی را هر ماه برای بیمه بپردازند. با این حال چنین بیمه‌ای دست‌کم می‌توانست به کمک احمدراضی بیاید که بتواند زودتر به دست‌اندر کار رسیدگی کند. اما دو سال بعد مدیرکل امور مرزی و وزارت کشور بیمه کولبران را منتفی اعلام کرد؛ چرا که کولبری یک شغل موقت است. کولبری یک شغل موقت است اما پای ثابت زندگی مردم مرز نشین است. ساماندهی کولبران هم نمی‌تواند یک راه حل دائمی باشد. این کار حتی اگر از مسیرهای سخت و صعب‌العبور صورت بگیرد و خطرهای طبیعی و غیرطبیعی نداشته باشد، کار انسانی نیست چندسال می‌شود در سرما از کوه‌ها بالا و پایین رفت و برای بازارهای کشور لوازم خانگی آورد؛ همه کولبران از سر ناچاری سراغ این کار آمده‌اند. اما تا زمانی که مردم مرز نشین سهمی از مشاغل و درآمد‌های پایدار ندارند، کولبری واقعیت همیشگی زندگی‌شان است. فعالان اجتماعی محلی می‌گویند حتی تکرار این کلمه هم نوعی رسمیت بخشیدن به شرایط سخت زندگی مردم مرز نشین است و اصلاً نباید چنین فعالیتی رسمیت پیدا کند. مردم این مناطق باید از مشاغل انسانی سهم داشته باشند.



کوه‌های پربرف در زمستان برای کولبرها با کوله‌های پر بارشان بیش از همیشه خطرناک است؛ هیچ چیز نیست که وقتی دارند سقوط می‌کنند دست‌گیرشان باشد. یک سال بعد از مه‌ران، مختار در اورامان هنگام پایین آمدن از کوه پرت شد و دیگر نه زندگی او مثل قبل شد و نه زندگی برادرش. آنها هر روز را می‌شمارند و محمود امینی برادر مختار می‌داند که دقیقاً چند روز از سه سال پیش که مختار از کوه افتاد و روی تخت خانه دراز کشید، گذشته است. مختار ضربه مغزی شد؛ «آن روز من به کولبری نرفته بودم. می‌گویند هوا تاریک بود، مسیری که با بار مجبورند از کوه پایین بیایند سرازیری تندی است و آن روز بیخ‌زده بودم. مختار از فصل‌های به اندازه سه طبقه ساختمان افتاد. مختار ارقیبه کولبرهای دوش‌شان پایین آوردند تا آسمان‌س و بالگرد برسد. وقتی بر دیمش بیمارستان دکتر گفت نمی‌ماند. گفتم داداشم را جواب می‌کنی؟ بعد گفت ببریدش خانه و او شش مراقبت کنید. به من یاد داد چطور از اون نگهداری کنم. الان همه کارهایش را خودم انجام می‌دهم و خودم در خدمتش هستم.» مختار سه سال و ۶ روز بعد از آن ضربه سخت می‌تواند دست و پایش را تکان بدهد اما دیگر حالش مثل قبل نمی‌شود؛ «کم روزی است که کولبری چیزی اش نشود. یکی دستش می‌شکند، یکی پایش کاش برادر من هم دودستش می‌شکست؛ مگر این‌که به مرور زمان بتواند مثلاً بلند شود و از اتاق بیرون برود. آن هم نه اینکه کار و کاسبی بتواند داشته باشد.» مختار دوباره دارد. زمانی که از کوه افتاد فرزند کوچکش به دنیا نیامده بود. برای هزینه زندگی مختار مردم کمک می‌کنند. همسایه‌ها با برنج و قند و چای و هر چه در توان‌شان است و کمک‌های نقدی بیشتر از سوی خیرینی می‌آید که محمود نام‌شان را نمی‌داند.

●●● مختار چند ساله است؟

۴۰ روز مانده به ۶۶ به دنیا آمد. برادر کوچک‌تر من است. دو برادر دیگر هم کولبری می‌کردند اما الان یکی‌شان مسافرکشی می‌کند و یکی دیگر کارگری، خودم هم بعد از اتفاقی که برای مختار افتاد ترسیده‌ام. اگر کار باشد کارگری می‌کنم. اگر کار باشد کسی نمی‌رود کولبری. راهش دور است؟ ساعت راه است. خودم بعد از این سال‌ها آرتروز پا گرفته‌ام.

●●● بار مختار چه بود؟

وقتی می‌رویم همه جور باری می‌آوریم. آن روز بارش سیگار بود؛ از عراق آوردیم.

در همه مناطق مرزی غرب کشور، از مرزبان تا بانه و اورامانات و سردشت و پیرانشهر مردمی که انتخاب دیگری برای امرار معاش ندارند، کولبری می‌کنند و هر روز کولبرهایی از کوه می‌افتند، روی می‌روند، در سرما گیر می‌افتند یا به آنها شلیک می‌شود. بعضی از آنها جان‌شان را از دست می‌دهند و بعضی سلامتی‌شان را. در همه این شهرها زنان و مردانهایی هستند که بعد از سال‌ها کولبری توان‌شان را از دست داده‌اند و آرتروز یا دیسک کم‌دارند. تا وقتی کولبری باشد، این اتفاقات هم می‌افتند. مردم نود و سه کرمانشاه احمدراضی را هنوز به یاد دارند که دست‌هایش را سرما زد و هر آن گشتش را از دست داد. احمد نمی‌توانست هزینه درمان دست‌هایش را که در سرما خشک شده بود، بدهد تا اینکه زمان گذشت و تنها راهی که برایش ماند قطع انگشتانش بود. پول عمل او را مردم جمع کردند تا پزشکی بالاخره انگشت‌هایش را قطع کند و عفونت بیش از این بالا نرود. لقمان وحید هم که سال ۹۶ روی مین رفت و یک پایش را از دست داد، به تازگی به خاطر هزینه عمل چشم‌هایش به خیرها آمد.

بسیاری از آنها پس از اینکه آسیب می‌بینند، در ادامه درمان و پس از آن ادامه زندگی دچار مشکل می‌شوند و حتماً نیاز به کمک‌هایی از سوی نهادهای دولتی دارند. تا به حال راه‌حلی‌هایی از سوی دولت‌ها برای حل مسائل کولبران ارائه شده‌اند. یکی از این طرح‌ها که امکان آسیب دیدن کولبران را کم می‌کند طرح ممنوعیت شلیک مستقیم به

ادامه از صفحه اول

اقتصاد سیاسی کولبری

در حقیقت حذف کولبر، بیش از آنکه حل جوانب امنیتی اقتصاد / سیاسی مرز باشد، باز صورت‌بندی مفاهیمی چون امنیت‌شدن بیش از حد، کولبر-محرم، موانع توسعه منطقه‌ای، تک‌محصولی شدن اقتصاد مرزی و اولویت یافتن مشاغل کولبری در عین حال توسعه اقتصاد خدماتی و محیط‌های مصنوعی آن همانند نهادهای امنیتی و گمرکی شده است و با تفکیک کولبر از پیلو و شرایط برای تعقیب قانون و شکل‌گیری وضعیت‌های استثنایی برای مواجهه با کولبران محرم هم‌وزن می‌شود. آنچه می‌تواند وضع اقتصادی و سیاسی جامعه کردستان را از دام این شرایط ناهموار و ناخوشایند رهایی دهد، بیش از تعیین امتیازات یا قوانینی همچون اعطای کارت پیلو، تصویب قانون شلیک نکردن مستقیم با طرح بیمه کولبران و ... حذف خود اقتصاد کولبری است. طرح‌هایی چون اقتصاد مبتنی بر منطقه آزاد مرزی، طرح خوشه‌ها و منظومه‌های اقتصادی مرزی، تأکید بر تغییر و چرخش‌های اقتصادی در تولید و خدمات در این مناطق و سیاست‌هایی از این قبیل در نهایت می‌تواند راه را برای باز صورت‌بندی مناطق مرزی بر اساس ساختار اقتصادی هموار کند که کمتر ابعاد امنیتی را در حوزه اقتصادی و چه سیاسی به دنبال داشته باشد. چنین تغییراتی می‌تواند برای همیشه گذار از اقتصاد کولبری به اقتصاد بازار و در سطحی وسیع‌تر اقتصاد منطقه‌ای و جهانی را نوید بخشد.